



## Jurisprudential Analysis of the Nature of Money Creation with an Emphasis on Mudaraba on Debt in the Banking System

Sadegh Elham\*

Mohammad Mahdi Shariatinejad\*\*

Mohammad Rasul Fakhreh\*\*\*



10.30497/ifr.2024.246014.1882



### Abstract

Money creation in the banking system is an important phenomenon, the quality and manner of which creates many effects in the economic system. Therefore, the analysis of many banking issues such as mudarabah depends on the nature and dimensions of money creation. Economists in their analysis of the process of money creation have defined it with two approaches: multiplier and endogenous money creation (money creation from nothing). Proponents of the multiplier approach define money creation as an operation dependent on deposits, and on the other hand, another group does not accept the dependence on deposits in money creation and believe that banks can create credit only by granting loans. . The nature of money created in the banking system and the effects and consequences of banking contracts, especially in mudarabah, along with issues that require research and study; Because the analysis of debt from bank created money has caused the challenge of mudarabah on debt, which is invalid from the point of view of most jurists, and hence banking mudarabah suffers from problems. This article, which is compiled with a descriptive and analytical method, is trying, since debt or commodity nature of money creation has serious effects on usury-free banking, it first adopts the basis of debt or commodity nature of money creation and then examines Permissibility or non-permissibility of debt mudarabah, apply these contents and draw a conclusion. Finally, after the investigations, this research confirms the validity of such a transaction with the money created by the banking system, emphasizing the famous ruling on the inadmissibility of mudarabah on debt.

**Keywords** :Creating Money; Mudarabah; Islamic Banking; Money; Wealth.

JEL Classification: D53, G23, G32.

\* Faculty Member, Faculty of Theology, Islamic Studies and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

s.elham@isu.ac.ir

0000-0003-4962-9136

\*\* PhD Student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Islamic Education and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Shariatinejad@isu.ac.ir

0000-0003-4983-2425

\*\*\* PhD Student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Islamic Education and Guidance, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

m.fakhreh@isu.ac.ir

0009-0000-7627-767X

Received: 2024/06/19

Accepted: 2024/10/13

## تحلیل فقهی ماهیت خلق پول در بانکداری اسلامی؛ مطالعه موردی: مضاربه بر دین در نظام بانکی

صادق الهام\* محمد مهدی شریعتی نژاد\*\* محمدرسول فخره\*\*\*

### چکیده

خلق پول در نظام بانکی پدیده‌ای مهم است که کیفیت و نحوه آن، آثار زیادی را در نظام اقتصادی ایجاد می‌نماید. از این رو تحلیل بسیاری از مباحث بانکی مانند مضاربه، به بررسی ماهیت و ابعاد خلق پول گره خورده است. اقتصاددانان در تحلیل خود از فرایند خلق پول، آن را با دو رویکرد ضریب فزاینده و خلق پول درون‌زا (خلق پول از هیچ) تعریف نموده‌اند. طرفداران رویکرد ضریب فزاینده، خلق پول را عملیاتی منوط به سپرده‌گذاری تعریف کرده و در مقابل نیز دسته‌ای دیگر وابستگی به سپرده‌گذاری را در خلق پول نپذیرفته و معتقدند که بانک‌ها صرفاً با اعطای وام می‌توانند به خلق اعتبار بپردازند. ماهیت پول خلق شده در نظام بانکی و آثار و تبعاتی که در عقود بانکی علی‌الخصوص در مضاربه به همراه دارد مسأله‌ای است که نیازمند تحقیق و مطالعه است؛ چراکه تحلیل دین بودن از پول‌های خلق شده بانکی موجب ایجاد چالش مضاربه بر دین گردیده که از منظر مشهور فقهای امامیه غیر صحیح و باطل است و از این رو تسهیلات مضاربه بانکی دچار اشکال می‌گردد. این مقاله که با روش توصیفی و تحلیلی گردآوری شده در تلاش است از آنجاکه دین یا عین بودن ماهیت خلق پول آثار جدی در بانکداری بدون ربا دارد، ابتدا در ماهیت دین و یا عین بودن خلق پول اتخاذ مبنایی نموده و سپس با بررسی جواز یا عدم جواز مضاربه بر دین، به تطبیق این مطالب پرداخته و نتیجه‌گیری نماید. در نهایت این تحقیق پس از بررسی‌های صورت گرفته با تأکید بر حکم مشهور مبنی بر عدم جواز مضاربه بر دین، حکم به صحت چنین معامله‌ای با پول‌های خلق شده توسط نظام بانکی می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** خلق پول؛ مضاربه؛ بانکداری اسلامی؛ پول؛ مالیت.

\* عضو هیأت علمی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
s.elham@isu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران  
Shariatinejad@isu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران  
m.fakhreh@isu.ac.ir

مقدمه

پول اختراعی برای بشر در راستای رسیدن به یک الگوی مناسب معاملاتی و رفع نیازهای اساسی است. از منظر اقتصاددانان «پیدایش پول حاصل مکاشفه ذهنی مبتکر به‌منظور حل معضلات موجود در نظام دادوستد جوامع توصیف گردیده است. به عبارت دیگر باید گفت که احتیاجات متعدد و متنوع انسان‌ها و عدم توان انسان‌ها در تأمین آن‌ها موجبات پیدایش این پدیده مهم در تاریخ اقتصادی بشر را فراهم نموده است (حسن‌زاده، مجتهد، بغدادی و تقی‌زاده حصار، ۱۳۹۳، ص. ۲)». پول اساساً یک پدیده اجتماعی است و به این واسطه با تغییر سبک زندگی در جوامع مختلف تغییر می‌کند. این تغییرات تا به جایی که انسان میل به تغییر و تطور داشته باشد ادامه پیدا خواهد کرد. به تبع تغییرات پول نیز ماهیت‌های گوناگونی پیدا کرده و اثرات متفاوتی به جا می‌گذارد که سیر تاریخ بشر شاهد این تغییرات بوده است. با گسترش نظام بانکداری و پیشرفت آنکه مستقیماً با پول در ارتباط است جوامع شاهد تغییر ساختار و ماهیت پول بوده‌اند. خلق پول بانکی از جمله کارکردهای اصلی نظام بانکی است که موجب تغییر ماهیت پول گشته است. در حقیقت به موجب خلق پول در بانک، پول از ماهیت پشتوانه طلا به پول بدون پشتوانه بدل گردیده و این نقطه آغازی برای ارائه تحلیلی تازه از ماهیت پول است. شناخت این ماهیت از منظر فقهی می‌تواند اثرات مهمی در نظام بانکداری بدون ربا و علی‌الخصوص قراردادهای بانکی داشته باشد. یکی از این قراردادها مضاربه بانکی است. مضاربه از جمله عقود اسلامی است که در کتب فقهی و کلام فقها مورد بحث و تحلیل قرار گرفته و در نظام بانکداری بدون ربا نیز در جریان است. تشخیص ماهیت پول‌های خلق‌شده از آن جهت اهمیت دارد که چه عنوانی اعم از دین یا عین می‌تواند بر آن حمل گردد؟ و آیا مضاربه بانکی با پول‌های خلق‌شده مصداق مضاربه بر دین خواهد بود؟ چنانچه پول‌های خلق‌شده در نظام بانکی ماهیتی دینی داشته باشد تعدادی از عقود بانکی علی‌الخصوص مضاربه دچار بحرانی جدی خواهند شد؛ چراکه از نظر مشهور فقهای امامیه مضاربه بر دین صحیح نبوده و از آنجاکه مضاربه بانکی با پول‌های خلق‌شده امروزی صورت می‌گیرد مضاربه بر دین تلقی شده و این عقد دچار چالشی جدی خواهد شد. در این تحقیق تلاش بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی و تمسک به منابع کتابخانه‌ای و تطور در قول

اقتصاددانان و فقهای امامیه تحلیلی صحیح از ماهیت پول‌های خلق‌شده در نظام بانکی صورت گیرد تا با مشخص شدن ابعاد مختلف آن بتوان به نگرشی صحیح در این خصوص دست یافت و در نهایت صحت یا عدم صحت مضاربه بانکی را بر این اساس تحلیل نمود؛ بنابراین در ابتدای این نوشتار به تعریف و تحلیل دقیق پول و انواع آن پرداخته و پس از آن مفهوم مالیت در فقه بررسی خواهد شد. همچنین از انتزاعی یا اعتباری بودن مالیت در فقه بحث گردیده و ماهیت پول خلق‌شده در نظام بانکی مشخص می‌گردد. در نهایت نیز مضاربه بانکی با توجه به ماهیت پول خلق‌شده بانکی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خلق پول از جمله موضوعاتی است که در تحقیقات و مقاله‌های بسیاری از آن بحث گردیده است. تعدادی از نوشتارها در این موضوع به موضوع‌شناسی خلق پول پرداخته و رویکردهای آن را تحلیل کرده و آثار آن را در نظام اقتصادی بررسی می‌نمایند. در این دسته از نوشتارها به دو رویکرد ضریب فزاینده و خلق پول از هیچ پرداخته شده و ضمن ارائه تحلیل‌هایی اتخاذ مبنا می‌گردد. دسته‌ای دیگر از نوشتارها در این خصوص به تبیین ماهیت خلق پول و نسبت آن با بانکداری اسلامی می‌پردازند. برخی از این پژوهش‌ها با محل بحث این مقاله به نحوی قرابت دارد که از آن‌ها نام‌برده خواهد شد.

خوش‌نقش (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه»، ضمن بررسی بانک در عصر مدرن، خلق پول را از جمله مسائل مهمی می‌داند که در نظام بانکی شایسته توجه و بررسی از عینک فقهی است. از منظر نگارنده، دو مسأله مهم که باید در خصوص خلق پول مورد توجه قرار گیرد توجه به ماهیت آن و همچنین اکل مال به باطل بودن این پدیده در نظام بانکی است.

محققان، مهدوی و توکلی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در حکم فقهی خلق پول»، ضمن بررسی رویکردهای موجود در خلق پول بانکی و اثبات رویکرد خلق پول از هیچ، اثرات مخرب این پدیده را ذکر نموده و خلق پول از هیچ را مصداقی برای اکل

مال به باطل می‌دانند. همچنین با استناد به قاعده لاضرر و تنقیح مناط ادله حرمت ربا این پدیده بانکی را مضر و غیرشرعی به حساب می‌آورد.

صمصامی و کیان‌پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی»، ضمن بررسی خلق پول در نظام بانکی با تمسک به دلایلی چون «بی‌ثباتی اقتصادی»، «عدم ایفای تعهد» و «اکل مال به باطل» خلق پول را دارای اشکال شرعی می‌داند. از جانبی دیگر نویسندگان با اذعان به آنکه خلق پول مانعی بر سر راه تحقق اهداف نظام مالی اسلامی همچون «عدالت اجتماعی»، «رشد اقتصادی» و «ثبیت قیمت‌ها» است، آن را شایسته نظام بانکی در اسلام ندانسته و امکان تحقق آن را در چنین نظامی رد می‌نماید.

عربی، فراهانی‌فرد و خوش‌اخلاق (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده اکل مال به باطل»، ایرادات وارد آمده به پدیده خلق پول بانک‌های تجاری از جمله درآمد نامشروع بانک‌ها از خلق پول، عدم امکان بازگشت سپرده‌ها، خیانت‌درامانت، مبتنی بودن خلق پول بر ربا، نقض حقوق مالکیت و تورم‌زا بودن سنجیده شده و با ارائه دلایلی احتمال تمامی این موارد رد می‌گردد. در واقع نویسندگان اثر معتقدند که خلق پول استاندارد و در مسیر سالم مبتلا به هیچ‌یک از ایرادات وارد آمده نخواهد بود. اکبری و محمودی وردنجانی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد اقتصادی - فقهی پدیده خلق پول از منظر بانکداری اسلامی»، در پی پاسخی به مشروعیت خلق پول در نظام بانکی است. از منظر نویسندگان این اثر نفس خلق پول در نظام بانکی مبتلا به مشکلی شرعی نبوده و نه تنها عنوان غصب بر آن صادق نخواهد بود، بلکه براساس قواعد عمومی نیز بی‌اشکال به نظر می‌رسد. البته تأکید می‌شود که از مدیریت صحیح آن نباید غافل بود و لذا خلق پول باید با سیاست‌گذاری و نظارت صحیح همراه باشد.

آنچه پژوهش حاضر را از دیگر آثار متمایز می‌سازد، پرداخت به ماهیت فقهی خلق پول و تبیین موشکافانه آن از منظر دین یا عین‌بودن و بررسی مالیت پول‌های خلق‌شده در بانک است. همچنین در این پژوهش ضمن اتخاذ مبنایی فقهی براساس ماهیت خلق پول تلاش بر آن است که نسبت آن با مضاربه بانکی سنجیده شود و در نهایت نیز حکم شرعی مضاربه بر پول‌های خلق‌شده توسط بانک مشخص گردد.

## ۲. خلق پول در نظام بانکی

خلق پول از جمله موضوعات و مسائل مطرح در نظام بانکی است که به مثابه سازوکار ایجاد پول در اقتصاد کشور تلقی گشته و به عنوان ماهیت و رویکرد نظام بانکی از آن نام برده می شود. در طول تاریخ بانکداری سه نظر و رویکرد در خصوص ماهیت نظام بانکی مطرح بوده است. نظر اول واسطه‌گری است. در این رویکرد بانک به منزله واسطه و جوه است که از جانبی سپرده‌ها را از سپرده‌گذاران جمع نموده و آن‌ها را به متقاضیان وام می‌دهد. رویکرد دوم خلق پول براساس نظریه ضریب فزاینده نامیده می‌شود. براساس این نظریه بانک از جانبی سپرده‌های سپرده‌گذاران را جمع نموده و با وام‌دهی به متقاضیان خلق پول می‌نماید. تجربه فعالیت در حوزه بانکداری نشان می‌دهد که سپرده‌گذاران معمولاً تمام پول را به صورت تمام و یکجا از حساب خود خارج نمی‌کنند؛ لذا این قابلیت وجود دارد که بانک با ذخیره درصدی مشخص به عنوان ذخیره قانونی در نزد بانک مرکزی، باقی سپرده را به شخص دیگر وام دهد. در مرحله بعد نیز همین موضوع تکرار می‌شود و بانک با ذخیره مبلغی مابقی پول را به شخص دیگری وام می‌دهد و همین‌طور این فرآیند ادامه می‌یابد و از مبلغ اولیه به مقدار ذخیره قانونی کاسته شده و به شخص دیگر وام داده می‌شود. به این فرآیند عنوان خلق پول بر مبنای ضریب فزاینده اطلاق می‌شود. در حقیقت در این رویکرد بانک‌ها واسطه‌هایی هستند که به صورت منفعلانه به رفتار مشتریان خود واکنش نشان می‌دهند؛ و مهم‌تر آنکه وام بانک‌ها متوقف بر سپرده‌گذاری مشتریان است. در این رویکرد نرخ ذخیره قانونی نقشی اساسی دارد و با تغییر نرخ آن قدرت و امکان خلق پول بانک‌ها تغییر می‌کند (محققان، مهدوی و توکلی، ۱۴۰۱، ص. ۲۰۰).

رویکرد و نظریه دیگر خلق پول انفرادی است. مهم‌ترین تفاوت نظریه خلق پول انفرادی با خلق پول بر مبنای ضریب فزاینده عدم وابستگی به سپرده‌گذار در خلق پول است. این نظریه با عنوان خلق پول از هیچ و یا پول درون‌زا نیز در کتب اقتصادی و بانکی نام برده می‌شود. خلق پول انفرادی با یک وام‌گیرنده آغاز می‌گردد. بانک پس از مرحله ارزیابی ریسک اعتباری، قرارداد وام را با متقاضی امضا می‌نماید. در این راستا وام در حساب‌های

بانک به‌عنوان یک دارایی جدید ثبت می‌شود و به‌طور هم‌زمان یک سپرده نیز به همان مقدار به‌عنوان بدهی در حساب‌های بانک ثبت می‌گردد. به هر ترتیب بانک با وام‌دهی قدرت خرید جدید خلق می‌کند که به آن خلق پول می‌گویند (کميجانی، ابریشمی و روحانی، ۱۳۹۷، ص. ۱۳).

بی‌شک خلق پول بانکی تأثیراتی را در اقتصاد به همراه دارد. یکی از آن‌ها ایجاد و زمینه‌سازی مباحثی پیرامون ماهیت پول بعد از فرایند خلق پول در نظام بانکی است. رویکرد خلق پول در نظام بانکی موجب شده تا ماهیت پول از آنچه در گذشته به‌عنوان ماهیت سند با پشتوانه صددرصد طلا یاد می‌شد تغییر یافته و از این بابت نیازمند به تحلیلی تازه گردد. بحثی که در این خصوص میان صاحب‌نظران شکل‌گرفته حاکی از اعتباری بودن و نحوه اعتبار پول و در مرحله بعد عین یا دین بودن آن است. به همین جهت لازم است تا در بخشی از این نوشتار به ماهیت پول و ابعاد مختلف آن پرداخته شود.

### ۳. پول

پول اختراع مهم و حیاتی بشر است که جهت سهولت در معاملات و به‌کارگیری در رفع نیازهای انسان از آن استفاده می‌شود. صاحب‌نظران اقتصادی پول را یکی از فناوری‌های مهم و اساسی بشر در کنار نوشتن، خواندن و حساب‌کردن از پایه‌های شکل‌گیری نخستین جوامع در خلال هزاره سوم پیش از میلاد می‌دانند. (اینگام، ۱۴۰۰، ص. ۲۹).

#### ۳-۱. تعریف پول

پول به چند طریق مورد تعریف قرار گرفته است که عبارتند از: تعریف قانونی، تعریف با اتکا به مصادیق، تعریف با اتکا به وظایف و تعریف براساس مقبولیت میان عامه (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۱۱).

تعریف قانونی: مطابق این نظریه پول آن چیزی است که قانون به‌عنوان پول معرفی نموده و به رسمیت شناخته باشد.

تعریف با اتکا به مصادیق: در این تعریف صاحب‌نظران با ارائه مصادیقی از پول در ادوار مختلف و با اشاره به سیر تغییر و تطور آن در طول تاریخ پول را تعریف می‌نمایند.

تعریف با اتکا بر وظایف: این تعریف مشهورترین تعریف بر پول است که تلاش دارد وظایف و کارکرد پول را توضیح داده و براساس آن‌ها پول را تعریف نماید. تعریف براساس مقبولیت نزد عرف: در این نظریه پول براساس مقبولیت عرف تعریف می‌گردد؛ به طوری که چنانچه مقبولیت عرف از پول برداشته شود دیگر نمی‌توان آن را وسیله مبادله به حساب آورد.

بیان شد که در میان تمامی تعاریف ارائه شده تعریف پول به وظایف، میان اقتصاددانان شهرت بیشتری دارد. مطابق این نظر پول به طور کلی عبارت است از واسطه مبادله، ذخیره ارزش، وسیله پرداخت یک‌جانبه (تسویه حساب) و ملاک ارزش واحد محاسبه که انجام هر یک از این وظایف برای ادامه حیات بشر لازم است (اینگام، ۱۴۰۰، صص. ۲۹-۳۰). مطابق این تعریف هر چیزی که این موارد را شامل گردد به عنوان پول شناخته خواهد شد. برخی با عنوان عدم اتخاذ مبنا و عدم صحت تعریف به لوازم به این تعریف اشکالاتی را وارد ساخته‌اند و معتقدند تعریف صحیح آن است که پول ارزش مبادله‌ای صرف باشد و در حقیقت چیزی را می‌توان پول نامید که بیانگر و حافظ ارزش مبادله‌ای خالص باشد. ارزش مبادله‌ای امری مطلق بوده و قابل فاسد شدن نیست و محدود به زمان و مکان هم نیست؛ لذا هرچه خصوصیات آن شیء به گونه‌ای بوده که کمتر فاسد شده، بادوام‌تر باشد و باگذشت زمان و تغییر مکان خصوصیات آن دگرگون نشود، بهتر می‌تواند ارزش مبادله‌ای مربوطه را حفظ نموده و به عنوان پول مورد رغبت واقع شود و این پول اعم از کالا یا اعتبار است (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، صص. ۱۲-۱۴).

به هر حال پول اعم از کالا یا اعتبار، آن چیزی است که ارزش مبادله‌ای دارد و پدیده‌ای عمومی است که در بستر اجتماع شکل گرفته و از جانب عرف مورد قبول است و با نقش مهمی که به عنوان واسطه مبادله، ذخیره ارزش و معیار سنجش ارزش ایفا می‌کند یکی از نیازهای اساسی بشر را تأمین می‌نماید.



پس از آنکه پول و کارکرد آن مورد تعریف قرار گرفت، مطلوب است که به انواع پول پرداخته شود. همان‌طور که اشاره شد پول پدیده‌ای اجتماعی است و در بستر آن شکل می‌گیرد. این ویژگی یکی از مهم‌ترین دلایلی است که موجب می‌گردد شاهد انواع پول در طول حیات بشری باشیم. بر این اساس انواع پول عبارتند از: پول تمام‌عیار نقد، پول تمام‌عیار بدهی، پول اعتباری نقد و پول اعتباری بدهی (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، صص. ۴۷-۵۲).

### ۳-۲-۱. پول تمام‌عیار نقد

قدمت این پول به جوامع گذشته و ابتدایی بازمی‌گردد. در واقع اگر به مبادلات قدیمی نظر شود سیستم تبادل بین بشر به تبادلات تهاتری محدود می‌گشت. پس از مدتی بشر به فکر افتاد آن کالایی که جنبه موافقت عمومی بیشتری داراست را به‌عنوان وسیله تبادل و معیار ارزش‌گذاری به رسمیت بشناسد. این نقطه آغازین پول است. در این خصوص نیز بسته به فرهنگ و آداب و عادات جوامع بشری این کالا که پول شناخته می‌شد متفاوت بود. در برخی جوامع صدف در برخی پوست و حتی حیوانات به‌عنوان پول به حساب می‌آمدند. پس از گذران مدتی بشر به دنبال پول فلزی رفت که مهم‌ترین آن‌ها طلا و نقره است که پس از مدتی پول فلزی معیاری مشهور و شناخته‌شده به‌عنوان واسطه تبادل شناخته شد. به هر ترتیب این پول به کالایی ارزشمند تلقی می‌گردد که به‌عنوان وسیله تبادل در جوامع بشری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در حقیقت ارزش این پول به‌عنوان یک کالا و جدای از مصرف پولی آن برابر با ارزش پولی آن در معاملات است. به این پول، به اصطلاح «پول کالایی» نیز گفته می‌شود (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۴۷).

### ۳-۲-۲. پول تمام‌عیار بدهی

در مسیر تکامل پول در طول تاریخ دوره‌ای وجود داشت که طلا و نقره‌های در دست صراف‌ها بدون مراجعه و استفاده باقی می‌ماند و در حقیقت مردم به تبادل رسیده‌ها بسنده می‌نمودند؛ لذا صرافان تصمیم گرفتند تا آن‌ها را در کارهای سودده مورد استفاده قرار دهند. بدین ترتیب طلاها و نقره‌های ذخیره‌شده به‌منزله دین صراف‌ها تلقی گشت و رسید و پول مورد نظر به‌عنوان سند این دین شناخته می‌شد. پس از شکل‌گیری بانک، این وظیفه

به بانک سپرده شد؛ بدین صورت که پولی اعتباری به منزله سندی برای دین بانک میان مردم در گردش باشد. در این نوع، پول به طور جداگانه و مستقلاً ارزشی نداشته و لزوماً یک پشتوانه همچون طلا و نقره یا هر کالایی برای آن در نظر گرفته می شود و پول به منزله رسید و سند آن بدهی بوده است. در این حالت اصولاً ارزش این پشتوانه در بازار غیرپولی با ارزش پول مساوی خواهد بود. به هر ترتیب دولت یا بانک با چاپ سندی با پشتوانه طلا تعهد به پرداخت دین و بدهی خود می دهد و این پشتوانه ارزش پول را تضمین می نماید. البته که پس از گذشت مدتی تعداد رسیدهای در دست مردم که توسط بانکها منتشر شده بود از پشتوانه آن فزونی یافت (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۴۸).

### ۳-۲-۳. پول اعتباری نقد

پول اعتباری نقد در حقیقت به پولی اطلاق می شود که ارزش آن به عنوان پول بیش از ارزش آن به عنوان کالا باشد؛ همچنین آنکه دولت یا نهاد انتشاردهنده تعهدی بر بازپرداخت به صورت طلا و نقره یا کالا نداشته باشد و یا حداقل آنکه مردم نسبت به این تعهد ناآگاه باشند. گاهی اوقات ارزش و بهای این پول به عنوان کالا در بازار در مقابل ارزش پولی آن بسیار ناچیز خواهد بود که مصداق آن پولهای کاغذی موجود امروزی در جوامع است (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۵۱).

### ۳-۲-۴. پول اعتباری بدهی

این قسم از جمله پولهای اعتباری به حساب می آید که همچون یک تعهد در میان جامعه گردش داشته و در حقیقت نهاد انتشاردهنده آن، تعهد بازپرداخت این قسم از پول را به عهده گرفته است و همچنین مردم نیز از تعهد صورت گرفته غافل نیستند (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۵۲). از جمله مصداق بارز این نوع پول، چکهای بانکی در دست افراد است که قابلیت برداشت از حسابهای جاری را دارد. در حقیقت چکهای در دست اشخاص به منزله سند بدهی و تعهد به پرداخت اسکناس است که افراد با در دست داشتن آن به بانک مراجعه کرده و طلب خود را دریافت می نمایند که به اصطلاح «پول تحریری» نیز گفته می شود. البته در این میان برخی به پول بودن آن مناقشه کرده و معتقدند که چکهای متعلق به حسابهای جاری هر چند هم عمومیت

داشته باشند به علت آنکه حاکی از بدهی بانک‌ها هستند پول به حساب نمی‌آیند و در واقع به سپرده و بدهی بانک پول گفته می‌شود. البته که اگر مردم در معامله با این اسناد از قابلیت تبدیل آن‌ها غافل بوده و به‌طور مستقیم و مستقل وسیله مبادله قرار گیرند، دیگر اوراق و اسناد، پول بدهی نبوده و پول نقد خواهند بود (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۴۶). به‌هرحال با توجه به آنکه چک ارزش مبادله‌ای داشته و دارای کارکردهای پول است حمل عنوان پول بر آن صادق خواهد بود.

در نتیجه بررسی مختصر انواع پول مشاهده گردید که پول انواع مختلفی دارد و وصف اجتماعی آن موجب شده در بستر زمان‌های مختلف تغییر شکل و ماهیت داده و تکامل یابد. در برهه‌ای از زمان، با کاهش چشم‌گیر احتمال برداشت کامل حساب‌های بانکی توسط همه صاحبان آن، بانک می‌توانست پول بدون پشتوانه چاپ کند. در حقیقت پس از آنکه تعداد اسکناس‌ها از ذخیره طلا در بانک‌ها فزونی یافت شاهد شکل‌گیری پول اعتباری صرف و بدون پشتوانه طلا بودیم. در این مسیر آمریکا اولین کشوری بود که به‌صورت رسمی پول بدون پشتوانه خلق کرد. پول‌های امروزی در بانک‌ها بهترین مصداق برای آن هستند. در این مصداق دولت با اعتباری که به‌موجب قانون یا قدرت حاکمیت خویش اعمال می‌کند پول را در جامعه ارزشمند می‌کند.

خلق پول بانکی موجب گردیده است که پول امروزه در دست بشر پولی با ماهیت اعتباری صرف باشد؛ در حقیقت پول بانکی برخلاف گذشته که پولی با پشتوانه بود، امروزه ماهیت اعتباری صرف پیدا کرده و لذا چنانچه قصد ارائه تحلیل از خلق پول و مضاربه بر دین در نظام بانکی باشد، باید پول از این منظر مورد بررسی و نگاه موشکافانه فقهی قرار گیرد. به این جهت در ابتدا لازم است مالیت داشتن پول اعتباری صرف از منظر فقه بررسی گردد.

در این مجال بحث بر سر آن شکل می‌گیرد که آیا می‌توان با اعتبار محض قائل به مالیت شد؟ در حقیقت مالیت شیء چگونه شکل می‌گیرد؟ در اینکه مالیت امری اعتباری است و با صرف توافق عقلاً محقق است و یا امری انتزاعی بوده و نیاز به منشأ انتزاع دارد در بین فقها اختلاف است. بر این اساس معیار و ملاک مالیت پول چگونه محقق می‌گردد؟ آیا داشتن پشتوانه حقیقی برای انتزاع مالیت لازم است یا پول بدون پشتوانه نیز از منظر

شرعی می‌تواند دارای مالیت باشد؟ پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند تا حد زیادی راهگشای مباحث موجود در خلق پول و مضاربه در نظام بانکی باشد. پاسخ به این سؤال نیازمند بررسی مفهوم مالیت از منظر فقه است.

#### ۴. مال در فقه

مال در لغت به معنای رغبت پیدا کردن به چیزی و میل پیدا کردن به چیزی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص. ۴۷۶).

مال اصولاً امری عرفی و اجتماعی است که به اعتبار عقلا وابستگی داشته و بدین وسیله تحقق می‌یابد. فقها در بیان تعریف مال از عبارات گوناگونی همچون مطلق منفعت (صاحب‌جوهر، بی تا، ج ۲۲، ص. ۳۴۳) و منفعت قابل اعتناء (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص. ۱۲۴) استفاده کرده‌اند. اما در کلام برخی دیگر تعریف کامل‌تری بیان گردیده است. مرحوم حکیم مالیت را اعتبار عقلایی دانسته که از رغبت و میل عرف به چیزی ناشی می‌شود. ایشان در توصیف رغبت اشاره می‌دارند که رغبت مورد نظر به گونه‌ای است که عرف بر تحصیل آن رقابت داشته و گاهی نزاع می‌کنند. در ادامه نیز از یک ویژگی دیگر با عنوان کمیابی برای مالیت نام برده و رقابت عرف را نیز از این سبب می‌دانند (حکیم، بی تا، ص. ۳۲۵). برخی از شارحان مکاسب در تعریف مالیت با تصریح به عرفی بودن آن، تحققش را به تنافس عقلا بر منفعتی نسبت داده‌اند که ناشی از نیاز و حاجت به آن است (انصاری، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص. ۳۸۶). برخی دیگر نیز با عباراتی مشابه بر این تعریف را تأیید نموده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص. ۱۷۱). علامه مظفر در حاشیه مکاسب خویش ضمن تصریح به این حقیقت، دو ویژگی احتیاج مردم و متوقف بودن حصول آن به عمل را شرط تحقق مالیت به حساب می‌آورده است (انصاری، بی تا، ص. ۱۵۸).

آیت‌الله خوئی در تعریف مال می‌فرماید که: مال در لغت به معنای چیزی است که انسان مالک شده و در میان عرف از آن چیزهایی انتزاع می‌گردد که دارای ویژگی‌هایی باشد: (۱) نوع انسان به آن میل داشته باشد؛ (۲) قابلیت استفاده در وقت حاجت را داشته باشد؛ (۳) مردم بر سر کسب آن با یکدیگر رقابت کنند؛ (۴) درازای آن مال حاضر به پرداخت پول باشند. این ویژگی‌ها، موجب اثبات مالیت عرفی شده و مالیت شرعی نیز با

تأیید شارع حاصل می‌گردد. با این تعریف شامل مطلق اعیان و منافع می‌گردد که عرف و لغت نیز بر آن گواه است (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۳).

وهبه زحیلی از محققین اهل سنت آن چیزی را که انسان با فعل خویش به دست آورد چه عین و چه منفعت باشد را مال می‌نامد (الزحیلی، ۲۰۱۰م، ج ۱۰، ص. ۴۹).  
در میان اهل سنت در خصوص مال دو نظر معروف وجود دارد:

۱. نظر اول اختصاص به علمای حنفیه دارد: آن‌ها مال را آن چیزی می‌دانند که دارای دو ویژگی باشد:

الف) امکان حیازت داشته باشد؛ که بدین ترتیب امور معنوی مثل علم مال نخواهد بود.

ب) امکان انتفاع داشته باشد.

۲. دسته دوم جمهور فقهای غیر از حنفیان هستند که معتقدند مال آن چیزی است که ارزش داشته و تلفش موجب ضمان آن گردد. به‌طور مثال یک‌دانه گندم مالیت نخواهد داشت (الزحیلی، ۲۰۱۰م، ج ۱۰، ص. ۵۰).

برخی از حقوق‌دانان مال را این‌گونه تعریف می‌نمایند: «مال در اصطلاح حقوقی به چیزی گفته می‌شود که بتواند مورد دادوستد قرار گیرد و از نظر اقتصادی ارزش مبادله را داشته باشد.» (امامی، ۱۳۴۰، ج ۱، ص. ۱۹).

به‌طور کلی مالیت در دودسته قابل تصور است:

الف) آنچه یکی از حاجات و نیازهای انسان را به‌طور مستقیم مرتفع نماید همچون غذا و لباس و...؛

ب) اوراق مالی یا پول‌های فلزی که به‌عنوان واسطه مبادله به‌کار می‌روند (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص. ۳۰).

این مالیت به اعتبار معتبر بستگی دارد؛ که خود به دودسته تقسیم می‌گردد:

الف) مالیت به اعتبار عموم مردم که از زمان و مکان خاصی به آن رغبت وجود دارد؛ همچون طلا و نقره.

ب) مالیت به واسطه اعتبار معتبر خاص که خود شامل دو قسم می‌گردد:

۱) صورتی که اعتبار معتبر و رغبت عقلا موجب مالیت چیزی گردد؛ همچون اسکناس.

۲) آنکه مالیت به واسطه اثر مترتب بر آن باشد. مثل بلیط قطار که کاغذ آن ارزش ندارد و به واسطه اثری که دارد یعنی حمل و نقل ارزش می‌یابد (حلی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۷۷).

به هر ترتیب با مطالبی که تا به اینجا ذکر گردید مشخص می‌شود که مالیت پدیده‌ای عرفی و به اعتبار و رغبت عقلا در تحصیل شیء بستگی دارد.

#### ۵-۱. مالیت مفهومی انتزاعی یا اعتباری؟

پس از تعریف مالیت و بیان نقطه نظرات متفاوت در این خصوص لازم است تا این مفهوم از حیث انتزاعی یا اعتباری بودن نیز مورد بررسی قرار گیرد.

برخی معتقدند که مال مفهومی انتزاعی است و نمی‌توان آن را اعتباری دانست. در واقع طبق این دیدگاه این مفهوم از متعلق ملکیت انتزاع می‌گردد. از نظر این دسته ملکیت که همچون رابطه‌ای میان افراد است یک متعلق در عالم خارج دارد که به شرط برخورداری از دو ویژگی رغبت و ندرت، مال از آن انتزاع می‌گردد. حال ممکن است گاهی با اعتبار ایجاد شود؛ اما در این موارد اعتبار باعث می‌شود که رغبت ایجاد شده و رغبت به متعلق آن امر باعث می‌شود که مالیت از آن انتزاع گردد؛ بنابراین مالیت یک امر حقیقی انتزاعی است؛ البته همان‌طور که بیان شد این امر مشروط به رغبت، ندرت و متعلق قرار گرفته برای ملکیت است. لذا دانسته می‌شود که به همین دلیل است که از نظر برخی از فقها حق نمی‌تواند مال باشد؛ زیرا حق در عرض مالکیت است و مالکیت نمی‌تواند به آن تعلق بگیرد. در واقع حق بر امور واقعی قرار می‌گیرد؛ یعنی حق نوعی سلطنت است؛ مانند مالکیت اما خفیف‌تر؛ بنابراین نمی‌تواند مورد مالکیت باشد و نمی‌توان از آن مال را انتزاع نمود. از این روی، هر چیزی که بتواند متعلق برای مالکیت باشد اگر دو شرط را داشته باشد مال است (هاشمی شاهرودی، بی‌تا-الف، جلسات ۲ الی ۶).

این دسته از فقها با اشاره به شرایط ندرت و رغبت در مال، می‌فرمایند: «با توجه به این دو شرط، مالیت امری انتزاعی است و اعتباری وضعی محض نیست. منظور از مالیت

مرغوبیت نوعی و مطلوبیت نوعی عرفی است. نتیجه این ندرت همراه با منفعت آن است که مردم در عوض آن مال پرداخته و برای به دست آوردن آن تلاش می نمایند» (هاشمی شاهرودی، بی تا-ب، ص. ۵۵۱). مطابق این نظر در حقیقت منفعت از عین مستقل نیست و مالیت آن نیز جدای از عین نخواهد بود (حسینی حائری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص. ۱۰۷).

دیدگاه گروهی دیگر از صاحب نظران که به نظر صحیح نیز می آید؛ آن است که مال اعتباری است و منشأ آن نیز اعتبار عقلای جامعه است. در واقع ارزش گذاری آن ها بر اشیاء خارجی براساس منافع استفاده شده از آن، میزان حاجت و انتفاع و نیز ثمره های مترتب بر آن است. پس مالیت اشیاء به اعتبار منفعت آن است و خود منافع مال به حساب می آیند. از نظر این گروه مال همان اعتبار محض است که گاهی اوقات صرف اعتبار است و گاهی نیز این اعتبار براساس منفعت، نیاز و قلت آثار چیزی به وجود می آید و میل داشتن یا نداشتن در مفهوم مال تأثیری ندارد (آل کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۱۶).

این دسته معتقدند که مال چیزی غیر اعتبار عقلا نیست. در واقع عقلا برای اشیاء به اعتبار منافع اشیاء، حل نیازهای خود و انتفاعی که از آن ها می برند، ارزش قائل بوده و آن را دارای مالیت می دانند؛ لذا مالیت هر چیزی در نزد عقلا به اعتبار منفعت آن است پس خود منفعت شایستگی بیشتری برای مال بودن را دارا است. در نتیجه مالیت امری اعتباری است که ناشی از حاجت و اختلاف رغبت ها در اعیان خارجی و منافع آن ها است. در واقع عقلا این مفهوم را بر آنچه مورد نیاز بشر بوده و رغبت انسان ها به آن مختلف است قرار داده اند و سپس این عنوان را بر اوراق و مشابه آن ها اعم از فلزات و... وضع نمودند؛ بنابراین مال بر این اساس اعتبار محض است که گاهی به قرارداد محض و گاهی به علت منفعت و نیاز شدید به آن است. به هر حال میل داشتن یا نداشتن به شیء نمی تواند در مالیت آن تأثیری داشته باشد. هر چند در اکثر اوقات این دو باهم ارتباط دارند؛ یعنی هر چه دارای مالیت باشد رغبت را نیز خواهد داشت اما این دو قابل تفکیک هستند (آل کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص. ۳۱۶) و از همین روست که شارع گاهی اوقات مالیت برخی چیزها را ساقط کرده است (هاشمی شاهرودی، بی تا-ب، ص. ۵۵۱).

با آنچه تاکنون بیان گردید، مشخص آمد که ملاک قائلان به اعتباری بودن مالیت، صرف اعتبار عقلاست که این اعتبار براساس منفعت برخاسته از شیء است. در انتزاعی

بودن نیز ملاک، انتزاع از امر دارای منفعت در عالم خارج است؛ در واقع قائلین به انتزاعی بودن مفهوم مالیت معتقدند که نمی‌توان گفت اعتبار کننده هر زمان که قصد کند می‌تواند مالیتی را برای یک شیء اعتبار کند؛ بلکه مالیت تنها پس از وجود عین خارجی امکان تحقق دارد.

#### ۲-۵. مالیت پول اعتباری محض

بیان شد که پول در طول تاریخ سیری تکاملی داشته و به مرحله‌ای رسیده است که پول‌های موجود در جامعه رابطه‌ای با مقدار ذخیره طلا در بانک ندارد و به‌طور کلی پول‌های امروزی پشتوانه‌ای نداشته و اعتباری محض هستند. در گذشته بیان گردید که بنابر یک نظر مالیت به اعتبار عقلا بستگی داشته و چنانچه عرف عام عقلا به سمت چیزی رغبت نماید و مال تشخیص دهند، آن شیء دارای مالیت خواهد بود. پول از جمله مصادیقی است که در جامعه امروز نظر عرف عقلا را به خود جلب کرده و دارای منفعت است.

امروزه پول یک امر اعتباری است. مالیت یافتن امری اعتباری به‌خصوص پول نیز در قبال و گرو تنافس و رغبت عقلاست. تشخیص وسیله مبادله بودن از آن جهت که به دین نزدیک است یا عین خارجی و همچنین حقیقت پول، با عرف و عقلای جامعه است. به نظر می‌رسد عرف امروزه پول الکترونیک را نه صرفاً وسیله‌ای برای مبادله که با ماهیت دین نزدیک بوده؛ بلکه آن را عین خارجی و ماهیتش را حقیقت پول تکامل یافته می‌دانند. البته طبیعی است که این اعتبار که موجب رغبت عقلایی می‌گردد، نیاز به یک منشأ اعتبار توسط معتبر دارد. حال این معتبر می‌تواند دولت بوده یا آنکه یک نهاد قابل اتکا باشد. به این موجب دولت یا نهاد قابل اتکا نیز با اعتبار پولی که می‌تواند مورد رغبت عقلای جامعه قرار گیرد دست به اعتبار خواهد زد و زمانی که عرف عقلا به آن رغبت پیدا کنند مالیت مورد نظر را خواهد یافت. به‌طور مثال چنانچه دولتی به علت بهره‌مندی از قدرت تولید و با اتکا به تولید خالص ملی و منابعی که در اختیار دارد به‌عنوان معتبر پولی را اعتبار کند، با رغبت و تنافس عقلای آن جامعه پول مورد نظر مالیت خواهد یافت.



برخی از صاحب‌نظران در این خصوص اشاره می‌دارند که: پول‌های امروزی مالیت دارند؛ چراکه محل رغبت و تقاضای عقلاست و حاضر بوده بر سر آن رقابت داشته و در عوض آن چیزی بدهند. همچنین پول کارکرد ذخیره ارزش دارد و پولی که امروزه در دست مردم است این ویژگی را داشته و در حقیقت از وظایف پول در جهان امروز، توان ذخیره‌سازی ارزش است و همه دارندگان آن، خود را دارای چیزی ارزشمند می‌دانند که می‌توانند به واسطه آن انواع کالاها و خدمات تولیدی با ارزش را به دست آورند. از این تعریف دانسته می‌شود که عرف و عقلا، پول را مال دانسته چراکه در غیراین صورت قابل انباشتن ارزش نیست. از طرفی دیگر، ارزش دادوستدی دادن به پول، همان مالیت بخشیدن به آن است. همان‌طور که بسیاری از فقها قائل اند مال بودن پول‌های جدید، پذیرفته شده است (احمدوند، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۳).

پس مالیت پول بسته به اعتبار عقلاست و نیازی به پشتوانه طلا و سندیت برای اعتباری شدن ندارد و همین‌که عقلا نسبت به چیزی رغبت پیدا کرده و میل داشته و بر تحصیل آن رقابت داشته باشند موجب مالیت می‌گردد. اعتبار حاکمیت یا نهادی که به اندازه حاکمیت قابل اتکا و اعتمادی باشد اینجا اثر مهمی داشته و به‌عنوان لوازمی برای تنافس عقلا به حساب می‌آیند.

### ۶. ماهیت خلق پول

امروزه خلق پول از جمله عملکردهای مهم بانک‌های تجاری قلمداد می‌شود. در این مجال باید به ماهیت پول خلق‌شده در نظام بانکی پرداخته شود. شناخت این ماهیت اهمیت بسیاری در نظام بانکی دارد چراکه به‌حسب نوع و آثار خود می‌تواند معاملات بانکی را تحت الشعاع قرار دهد. در حقیقت بحث بر سر آن شکل می‌گیرد که ماهیت پول خلق‌شده در نظام بانکی عین خواهد بود یا آن را باید به‌منزله دین محسوب نمود. در اینجا لازم است ابتدا مفهوم دین و عین و تفاوت‌های آن شناخته شود.

دین آن مال کلی است که به سببی از اسباب همچون جنایت، بیع، اتلاف ... به ذمه شخص می‌آید (موسوی سبزواری و یزدی، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱، ص. ۵). رابطه دین و قرض عموم و خصوص مطلق است. در حقیقت هر قرضی دین به حساب می‌آید لکن هر دینی

قرض نخواهد بود (ابن سعید، ۱۴۰۵ق، ص. ۲۸۳). عین در مقابل دین قرار می‌گیرد. عین آن چیزی است که مشخص باشد. حق عینی نیز در مقابل حق دینی یا همان حق شخصی قرار دارد. حق عینی آن تسلطی است که به موجب قانون برای یک شخص در عین قرار می‌گیرد و حق دینی آن است که میان دو نفر بوده و به موجب آن طلبکار می‌تواند از بدهکار مطالبه به چیزی داشته باشد که اعم از اعطاء چیزی، مبادرت یا عدم آن است (سنهوری، ۱۳۹۱، صص. ۱۵-۱۶).

مهم‌ترین تفاوت‌های عین و دین به صورت زیر است:

- ۱) دین به ذمه تعلق می‌گیرد لکن عین این‌گونه نیست.
- ۲) دین در استیفا نیاز به وساطت مدیون دارد؛ در صورتی که در التزام به عین چنین نیست.
- ۳) از آنجایی که وساطت مدیون وجود دارد دین نیاز به مطالبه دارد لکن در عین این‌گونه نیست.
- ۴) در دین این قابلیت وجود دارد که اجل باشد یا مقاصه در آن صحیح است و امکان ابراء نیز وجود دارد لکن در عین وجود نخواهند داشت (سنهوری، ۱۳۹۱، صص. ۲۴ و ۱۱۲).

پس از مشخص شدن معانی عین و دین لازم است تا بررسی گردد که پول‌های امروزی مصداق کدام‌یک از این موارد خواهد بود.

برخی از صاحب‌نظران ضمن تشریح خلق پول و رویکردهای مربوط به آن، ماهیت پول خلق‌شده در بانک را دین می‌دانند و از همین نظر به آن اشکالاتی را وارد ساخته و فرایند خلق پول را در عقود اسلامی مخرب توصیف می‌نمایند. این دسته با توجه به دین تلقی نمودن پول خلق‌شده در نظام بانکی عقود شرکت، قرض الحسنه، سلف و مضاربه را هر یک به نحوی مبتلا به اشکال شرعی می‌دانند. چراکه شرکت عقدی تنها در پول رایج یا اجناس خواهد بود و دین نمی‌تواند موضوع شرکت قرار گیرد. در قرض الحسنه نیز بانک دینی را علیه خود به نفع قرض‌گیرنده ایجاد می‌کند و از جهتی ذمه دریافت‌کننده وام ضامن مثل آن دین است. در حقیقت آنچه قرض داده می‌شود باید عین باشد و با توجه

به آنکه حساب وام‌گیرنده چیزی جز تعهد بانک نیست شاهد قرض دین خواهیم بود که از منظر فقها این قرض باطل است. در خصوص اشکال سلف نیز اشاره می‌دارند که در پیش خرید محصولی تولیدی توسط بانک با ثمنی مشخص و مبیع مدت دارد با توجه به خرید به واسطه دین و مدت دار بودن جنس خریداری شده شاهد ابتلا به مسأله خرید دین به دین خواهیم بود که باطل است (خوش‌نقش، ۱۴۰۰، صص. ۷۸-۸۲). در مورد مضاربه نیز اشکال مضاربه بر دین به وجود خواهد آمد که در جای خود به آن اشاره خواهد شد. نظر دیگر آن است که ماهیت پول خلق شده در نظام بانکی عین باشد. در این صورت پول در حکم کالا بوده، قابل نقل و انتقال و به ذمه گرفتن است. در پول‌های حقیقی از آنجاکه دارای ارزشی حقیقی هستند این مسأله روشن است؛ اما در پول‌های اعتباری برخی معتقدند از آنجاکه مالیت آن‌ها از اعتبار نشات می‌گیرد آنچه مال است همان اعتبار قانونی است و نفس عین ارزشی ندارد اما این حرف صحیحی نیست؛ زیرا مال از نگاه حقوقی هر شیء است که مردم بدان رغبت کنند؛ حال منشأ این رغبت گاهی می‌تواند خصوصیت در ذات آن و گاهی نیز یک امر اعتباری باشد ولی مهم آن است که مردم به این شیء رغبت نشان می‌دهند پس مال است. باتوجه به آنچه در مباحث گذشته مطرح گردید حقیقت آن است که پول‌های امروزی خلق شده توسط بانک اعتباری است و در حقیقت ماهیت پول‌های خلق شده عین است. پول‌های اعتباری خود فی‌نفسه مورد رغبت مردم هستند، نه آنکه مانند چک و سفته صرفاً معرف از یک چیز دیگر باشند و مردم صرفاً به علت شیء دیگر بدان رغبت کنند.

در اینجا باید اذعان کرد که پول‌های امروزی را نمی‌توان در حکم سند دانست. در حقیقت پول‌های امروزی عین بوده و نمی‌توان آن‌ها را دین تلقی کرد. یکی از دلایل آن الزام از جانب دولت بر پذیرش پول توسط مردمان است و چنانچه غیر از آن باشد دولت مردم را اجبار نخواهد کرد که مصداق بارز آن چک است. همچنین دلیل دیگر آن است که اگر پول سند باشد بر قرض‌گیرنده لازم می‌آید تا قدرت خرید را در موعد مقرر بازپرداخت نماید، این در صورتی است که در مقام عمل چنین اقدامی مجوز لازم را ندارد. به‌طور مثال اگر ارزش پول در جامعه بالا رود و مثلاً دو برابر شود، قرض‌گیرنده با تمسک به سندیت پول نصف مبلغی را که قرض گرفته به قرض‌دهنده پس می‌دهد؛

در صورتی که چنین کاری از منظر عقلا صحیح نخواهد بود. از طرفی دیگر اگر پول‌ها سندیت داشته باشند با پایان یافتن زمان اعتبار یا از بین رفتن آن سند، همچنان قابل مطالبه هستند چراکه به منزله دین بانک محسوب می‌گردد و لکن چنین اتفاقی نمی‌افتد. همچنین چنانچه پول به منزله سند باشد، تأدیه دین به واسطه آن زمانی صدق می‌کند که آن سند تبدیل به مال واقعی گردد همچون چک که دارای ماهیتی سندی است و دریافت آن تا زمانی که به برداشت پول منجر نگردد صدق تأدیه دین نمی‌نماید. این برخلاف آن چیزی است که در پول‌های امروزی مشاهده می‌گردد. دلیل دیگر آنکه سند دین می‌تواند توسط هر شخصی صادر گردد لکن صدور پول این‌گونه نیست و شرایط خاصی دارد.

لازم به ذکر است که باید در خصوص تبیین ماهیت پول میان حوزه مردم و دولت تفکیک قائل شد. از منظر کلان پول‌های اعتبارشده به وسیله دولت دینی برعهده آن‌ها است. لکن میان مردم با توجه به مبادلاتی که روزانه در عرف صورت می‌گیرد پول ماهیت عین دارد؛ لذا باید توجه داشت که در اینجا عرف عام و عقلاست که موضوعیت دارد و عرف نیز پول را به مثابه عین می‌داند. به هر ترتیب ملاک در تشخیص مالیت نیز همان‌طور که فقها بدان اشاره داشته‌اند عرف عام است. در حقیقت مال از جمله مفاهیم عرفی به شمار می‌آید و عرف عام است که در تشخیص موضوع حکم مورد استفاده فقیه قرار می‌گیرد. اگرچه شاید از منظر برخی از اقتصاددانان که عرف خاصی تلقی می‌شوند پول مالیت نداشته باشد، اما نمی‌تواند موضوع برای احکام فقهی باشد؛ بنابراین، چون عرف عام و عقلا پول را مال می‌دانند، فقیه می‌تواند احکام مال را بر آن بار کند. علاوه بر اینکه فقیهان که خود بخشی از عرف عام هستند، پول را مال می‌دانند (اگرچه در بیان خاستگاه مالیت آن نظری یکسان نداشته باشند) (احمدوند، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۲).

به‌رحال با توجه به آنچه اشاره شد پول‌های اعتباری یعنی اسکناس‌های بانکی دارای مالیت بوده و از منظر عرف عین به حساب می‌آید. در خصوص پول‌های الکترونیکی نیز همین حکم پابرجاست. در واقع به نظر می‌رسد قابلیت تبدیل داشتن نمی‌تواند با عین بودن منافاتی داشته باشد. همان‌طور نیز که در گذشته بدان اشاره شد عین و دین با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند که به این واسطه نمی‌توان پول‌های الکترونیکی را مصداق دین دانست.

همین‌طور که خصوصاً ماهیت پول برخی صاحب‌نظران نیز به عینیت آن اذعان می‌دارند و معتقدند که نمی‌توان گفت که پول‌های امروزی به علت اعتبار گرفتن از دولت مالیت پیدا کرده و عین آن پول مالیت نداشته باشد. بلکه آنچه معیار و ملاک بر مالیت است، رغبت و تنافس عقلاً در تحصیل شیء است که پول‌های اعتبارشده امروزی محل رغبت عقلاً هستند و این مخالف صورتی است که رغبت به چیزی ناشی از شیء دیگر باشد همچون چک (داوودی، نظری و میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص. ۶۳).

به‌رحال باتوجه‌به آنکه پول‌های امروزی در نظر عرف عین به حساب می‌آیند و از منظر فقها عرف مردم ملاک تشخیص موضوعات هستند، پول‌های خلق‌شده بانکی اعتباری بوده و عین خواهند بود.

پس از بیان بحث‌هایی از ماهیت پول خلق‌شده در نظام بانکی و ماهیت آن لازم است تا کاربرد، نتایج و پیامدهای پیرامون آن در نظام بانکی موردبررسی قرار گیرد. یکی از مصادیق آن تسهیلات بانکی مضاربه است. فقهای امامیه در باب مضاربه در کتب خود از مال مضاربه بحث نموده‌اند که مشهور آن‌ها مضاربه را با دین صحیح نمی‌دانند. حال باتوجه‌به ماهیت پول خلق‌شده و احکام عقد مضاربه شایسته است تا به این مصداق مهم در تسهیلات بانکی پرداخته‌شده و جوانب آن موردبررسی قرار گیرد.

#### ۷. عقد مضاربه

مضاربه از جمله عقود اسلامی است که در کتب فقهی بابی را با همین عنوان به خود اختصاص داده است. فقها در تعریف مضاربه را عقدی می‌دانند که به‌موجب آن مالی به دیگری پرداخت گردد تا آنکه عامل با آن مال به تجارت پرداخته و سود آن مال بین هر دو تقسیم گردد (حلی و حلی، بی‌تا، ص. ۱۰۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص. ۱۶۷) نام دیگر مضاربه «قراض» است (ابن‌زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص. ۲۶۶).

ماده ۵۴۶ قانون مدنی نیز مضاربه را این‌گونه تعریف می‌نماید که: «مضاربه عقدی است که به‌موجب آن احد از متعاملین سرمایه می‌دهد با این قید که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه «مالک» و عامل، مضارب نامیده می‌شود».

## ۷-۱. مضاربه بر دین

مضاربه از منظر شریعت و فقه امامیه دارای شرایط و احکامی است که لازمه صحت اجرای آن در نظام بانکی رعایت این شرایط است. یکی از احکام مورد بحث در خصوص مضاربه، جواز یا عدم جواز مضاربه بر دین است. فقها در این خصوص مطالبی را در کتب و نظراتشان آورده‌اند و مشهور به بطلان مضاربه بر دین رأی می‌دهد. همچنین قائلانی هستند که صحت مضاربه را منحصر به عین نمی‌دانند که در این فرصت به این اقوال خواهیم پرداخت.

## ۷-۱-۱. قائلان بطلان مضاربه بر دین

شهیدین در شرح لمعه مضاربه بر دین را غیر صحیح می‌دانند (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص. ۲۱۹). صاحب مفتاح الکرامه نیز مضاربه بر دین را جایز نمی‌دانند و در کتاب خویش به علمایی اشاره می‌کند که فتوایی مشابه را در این خصوص صادر می‌کنند (حسینی عاملی و حلی، بی تا، ج ۷، ص. ۴۴۱). علامه حلی در کتاب «تذکره»، با توجه به آنکه عقد مضاربه را خلاف اصل به حساب می‌آورد، از باب اکتفا به قدر متیقن انجام آن بر دین را صحیح نمی‌داند (حلی، بی تا، ج ۱۷، ص. ۸). شهید ثانی در شرح کلام علامه دلایل ایشان را رد نموده و عمده دلیل ثابت بر این حکم را اجماع ذکر می‌کند. همچنین ایشان در شرح بر شرائع عنوان غرر و جهل را بر این معامله حمل می‌نماید (شهید ثانی، ۱۳۸۰، ص. ۴۵۱). صاحب ریاض نیز اجماع را تأیید کرده و همچنین مضاربه را تحت ادله عامه عقود به حساب نیاورده و ادله خاص مضاربه را نیز شامل آن نمی‌داند (حلی، بی تا، ج ۱۷، ص. ۸). صاحب جواهر پس از تأیید اجماع، در صورت شک اصالة الفساد را در موضوع جاری می‌دانند. همچنین از نظر ایشان اطلاق ادله مضاربه هم به علت آنکه در مقام بیان نبوده نمی‌تواند ثابت کننده صحت مضاربه بر دین باشد (صاحب جواهر، بی تا، ج ۲۶، ص. ۳۵۶) اما در این موضوع صاحب کتاب حدائق روایتی را از سکونی ذکر می‌کند<sup>۱</sup> (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص. ۲۳) که به زعم ایشان دلالت بر عدم صحت مضاربه بر دین را دارد.

<sup>۱</sup> قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي رَجُلٍ لَهُ عَلَى رَجُلٍ مَالٌ فَيَتَقَاضَاهُ وَلَا يَكُونُ عِنْدَهُ فَيَقُولُ هُوَ عِنْدَكَ مُضَارَبَةٌ قَالَ لَا يَصْلَحُ حَتَّى تَقْبِضَهُ مِنْهُ.

با وجود اینکه روایت مذکور ضعیف بوده ایشان عمل اصحاب را جبران‌کننده این ضعف می‌دانند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۱، ص. ۲۱۸).

آیت‌الله خویی در مبانی عروه‌الوثقی ضمن تأیید دلالت این روایت، عبارت «دفع المال» که در تعریف مضاربه آمده است را به‌عنوان شاهی بر شرط عین بودن سرمایه ذکر می‌کند؛ چراکه دین قابلیت دفع ندارد. مضاف بر تمام این موارد ایشان ادعای اجماعی که از جانب برخی فقها بر این مسأله صورت گرفته را نمی‌پذیرند. همچنین از نظر ایشان در صورت شک در صحت مضاربه بر دین اصاله الفساد می‌شود. پس در نهایت ایشان دو دلیل بر عدم جواز مضاربه بر دین ذکر می‌کنند که عبارتند از قاعده و معتبره سکونی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۱، صص. ۹-۱۰).

صاحب شرایع نیز در شرح احکام مضاربه عین بودن را از شروط مضاربه به حساب می‌آورد و به این واسطه بیان می‌کند که مضاربه بر دین جایز نیست. ایشان در ادامه در یک صورت مضاربه بر دین را جایز می‌شمردند و آن وقتی است که عقد مضاربه بعد از قبض دین منعقد گردد. لازم به ذکر است که این جواز شامل آن صورتی نمی‌شود که عامل مضاربه اذن در قبض از بدهکار را داشته باشد مگر آنکه بعد از وصول دین دوباره عقد مضاربه را تجدید کند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص. ۱۱۲). صاحب عروه ضمن بیان عبارتی مشابه صاحب شرایع می‌فرماید که اگر مالک، عامل را وکیل کند که بعد از دریافت دین از بدهکار، عقد مضاربه را با وکالت جاری نماید و از جانب خود نیز قبول را انجام دهد - که بدین ترتیب موجب و قابل یکی خواهد بود - ایرادی ندارد. همچنین اگر مالک از عامل طلب داشته باشد نمی‌تواند بر آن مضاربه واقع سازد مگر آنکه او را وکیل در تعیین نموده و عامل نیز از جانب هر دو ایجاب و قبول نماید (یزدی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۴۵۳). برخی از فقها نیز در این خصوص با عباراتی مشابه به‌طور مختصر و گذرا به راهکار وکالت در قبض اشاره داشته‌اند (طوسی، بی‌تا، ص. ۴۳۰).

#### ۲-۱-۷. قائلان صحت مضاربه بر دین

دسته‌ای دیگر از فقها که تعدادشان چندان زیاد نیست، معتقدند که مضاربه بر دین نیز می‌توان مشمول حکم صحت قرار گیرد. از جمله کسانی که این قول را تقویت نموده و

بر آن شرحی طولانی آورده، مرحوم هاشمی شاهرودی است. در حقیقت ایشان تلاش دارند تا با رد نمودن ادله قائلان به بطلان مضاربه بر دین و اثبات عدم خلاف اصل بودن مضاربه، مضاربه بر دین را صحیح و جایز بدانند.

قائلان به عدم صحت مضاربه بر دین در استدلال خویش تمسک به مخالف اصل بودن مضاربه دارند و بنا بر اکتفا به قدر متیقن، تنها مضاربه بر عین را می‌پذیرند. مرحوم هاشمی شاهرودی در مقام پاسخ و اشکال معتقدند که مضاربه موافق با اصل است و در جای خود آن را اثبات می‌نمایند. همچنین معتقدند که اعطای مال در عنوان تعریف مضاربه بر دین نیز دلالت دارد.

ایشان در خصوص تمسک به روایت سکونی در عدم جواز مضاربه بر طلب که در قسمت گذشته به آن اشاره شد بیان می‌دارند که باتوجه به ظاهر روایت و عبارت «ماهو عندک» روایت ظهور در حال شخصی دارد که قصد حفظ مال قرض داده شده و کسب سود بر آن را دارد که شبهه ربوی بودن آن را قدرت می‌بخشد و این نوع از معامله نیز در عرف شناخته شده بوده است و این اخص از مدعاست. حال اگر از این مورد هم عدول شود حداقلش آن است که روایت سکونی صریح نبوده و موضوع مردد میان تضمین مال مضاربه و ... است.

در ادامه دسته‌ای از قائلان به بطلان مضاربه بر دین، معتقدند رکن مضاربه وجود خارجی سرمایه‌ای است که قرار است در مضاربه مورد تجارت قرار گیرد و این در حالی است که دین قبل از قبض، حکم سرمایه باوجود خارجی را ندارد؛ و این موجب می‌گردد که حکم به بطلان مضاربه بر دین را صادر نمایند، لکن از نگاه هاشمی شاهرودی در مضاربه رکن اصلی و اساسی وجود مال برای تجارت است و عنوان مال بر مطلق دین و عین صدق می‌کند و از منظر فقه تفاوتی در مال بودن آن‌ها وجود ندارد و از این روست که فقها حکم بیع دین را جایز می‌دانند. امروزه نیز معامله بر ذمه در جامعه امری مقبول بوده و معاملات با چک و سفته نشان‌دهنده آن است.

همان‌طور که در بخش گذشته مطرح شد عده‌ای از فقها در اثبات عدم جواز به اجماع تمسک می‌نمایند. هاشمی شاهرودی در اجماع مذکور ایراد وارد می‌نمایند. از نظر ایشان اجماع بیان‌شده اجماع مدرکی بوده است که حجیت ندارد. همچنین اجماع مذکور منقول



بوده و مضاف بر این‌ها، هیچ شرطی مبنی بر عین بودن مال در مضاربه در کتب متقدمین ذکر نشده است.

در نهایت آخرین دلیلی که بر عدم صحت مضاربه بر دین اشاره شده است، بر این مبناست که براساس روایاتی که در باب مضاربه وجود دارد ضمانت عامل در مضاربه صحیح نخواهد بود و چنانچه مال مضاربه از جنس دین باشد، باتوجه به مضمون بودن مال بر ذمه مدیون در احکام باب دین، این روایات به نحوی دلالت بر عدم صحت مضاربه بر دین داشته و مضاربه بر دین را خارج می‌نمایند. به این دلیل نیز این‌گونه پاسخ داده می‌شود که روایات به مالی اشاره دارند که در زمان مضاربه مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این بابت ارتباطی با مالی که قبل از مضاربه مضمون بوده است نخواهد داشت چنانچه بعد از منعقد شدن مضاربه ضمان از بین برود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲ق، صص. ۴۴-۵۵).

لازم به ذکر است صحت مضاربه بر دین قائلان دیگری نیز دارد. مرحوم اردبیلی قائل به صحت مطلق مضاربه است. دلیل ایشان در صدور حکم به صحت، اطلاق روایات باب مضاربه و کلمه «مال» در عبارت روایت است که بر مطلق دین، عین و منفعت دلالت می‌کند. در خصوص ادعای دلالت کلمه «اعطاء» بر عین نیز اشاره می‌کنند که مراد از اعطاء قرار دادن مال در اختیار عامل است چه این مال پرداخت گردد (دفع) چه با اجازه اعطا شود. مضاف بر این‌ها کلمه اعطاء در روایت نیامده است. دلیل دیگر ایشان تمسک به عمومات از قبیل المؤمنون عند شروطهم، «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (المائدة: ۵) و «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» (النساء: ۲۹) است که همه آن‌ها دلالت بر شمولیت مضاربه بر دین، عین و منفعت دارد (موسوی اردبیلی و یزدی، ۱۳۷۹، ص. ۲۹). از فقهای معاصر هم نظر نیز می‌توان به آیت‌الله مکارم شیرازی اشاره داشت. ایشان مضاربه را مخالف قاعده ندانسته و به مدرکی و غیرمعتبر بودن جماع قائم شده تصریح دارند؛ لذا این موضوع را نیز مشمول عمومات می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴). آیت‌الله شبیری زنجانی نیز باتوجه به عمومیت مال در تعریف مضاربه نظر به صحت چنین مضاربه‌ای می‌دهند (شبیری زنجانی، ۱۳۹۴).

باتوجه به آنچه بیان گردید مضاربه بر دین گرچه از دیدگاه برخی از فقها بدون اشکال است اما از آنجاکه مشهور آن را نپذیرفته است فارغ از قوت و یا ضعف نظر قائلین به امکان مضاربه بر دین، نمی تواند در مقام تقنین از نظر غیر مشهور پیروی نمود. مضاف بر آنکه نهایت چیزی که از اشکالات قائلین به امکان می توان اثبات کرد، صحت چنین عقدی نزد عقلاست؛ اما اینکه این عقد مشخصاً مضاربه باشد معلوم نیست. علی الخصوص زمانی که معیار تشخیص مضاربه عرف زمان معصوم باشد با این استدلال نمی توان مضاربه بودن آن را از نگاه شرع اثبات کرد و باید دید آنچه مورد امضای شارع واقع شده چه عقدی بوده است. از مجموع کلام می توان این گونه بیان داشت که مضاربه بر دین صحیح نیست یا حداقل از آنجاکه مخالف مشهور فقها بوده عمل بدان خلاف احتیاط است (الهام، ۱۳۹۴، ص ۷۵).

از آنجایی که مالیت را امری اعتباری به اعتبار عقلا براساس یک منفعت عمومی دانستیم و از آنجایی که معیار تشخیص پول وظایف آن بوده و توسط عرف و عقلا قابل تشخیص است، می توان اذعان داشت که پول های خلق شده توسط نظام بانکی از آنجاکه دارای وظایف پول بوده و از جانبی دیگر براساس مجوز بانک مرکزی و قدرت مالی بانک، مورد تأیید عقلاست، دارای مالیت اعتباری بوده و عرفاً پول و عین محسوب شده و لذا مضاربه با آن حکم مضاربه بر عین داشته و بی اشکال خواهد بود.

در مقابل اگر مبنای مالیت را انتزاعی و در واقع بر اساس منشأ انتزاع خارجی بدانیم و نیز اگر معیار پول را وظایف آن ندانسته یا اگر عقلا پول های الکترونیکی را عرفاً پول ندانسته و صرفاً وسیله ای برای مبادله بدانند، این مسأله یعنی مضاربه در نظام بانکی با اشکال مواجه خواهد بود که با تفصیلاتی که تا به اینجا آمد، بطلان این نظر مشخص گردید.

### نتیجه گیری

خلق پول در نظام بانکی پدیده ای پیچیده است که ارائه تحلیلی از ماهیت آن می تواند در فهم و تبیین مسائل نظام بانکداری اسلامی تأثیرگذار باشد. پول های خلق شده در نظام بانکی که امروزه در جامعه در حال گردش است، دارای ماهیتی اعتباری است. مالیت

مفهومی است که در فقه امامیه به رغبت عقلای جامعه بستگی دارد و چنانچه عقلا به چیزی رغبت داشته باشند وصف مالیت بر آن صدق خواهد داشت. یکی از نکات مهمی که در خصوص مالیت باید مورد توجه قرار گیرد، انتزاعی یا اعتباری بودن آن است که باتوجه به آنچه بیان گردید مالیت امری اعتباری و وابسته به رغبت و اعتبار عقلاست و برای صدق مالیت چیزی، نیازی به وجود یک منشأ خارجی جهت انتزاع مالیت از آن نخواهد بود. پول‌های خلق شده امروزی مالیت دارند و این مالیت وابسته به رغبت عقلاست؛ بنابراین نیازی به پشتوانه طلا و سندیت برای اعتباری شدن ندارد. اعتبار حاکمیت یا نهادی که به اندازه حاکمیت قابل اتکا و اعتماد باشد لازمه‌ای برای تنافس عقلا در مالیت بخشی خواهد بود. باتوجه به تمام اوصافی که در خصوص پول‌های خلق شده در نظام بانکی مطرح شد، باید اذعان داشت که این پول‌ها ماهیت عین دارند و نمی‌توان آن‌ها را از جنس دین دانست. در نهایت با تمام این تفاسیر روشن می‌آید که مضاربه بر پول‌های خلق شده بانکی باتوجه به ماهیت عینی که دارند صحیح و بلاشکال خواهد بود.

#### ملاحظات حقوقی

##### - پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

##### - تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

#### کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آل‌کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲ق). *تحریر المجله* (محمد مهدی آصفی و محمد ساعدی: مترجمان). ایران، قم: مرکز تحقیقات و الدراسات العلمیه.
۳. ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع* (ابراهیم بهادری: مترجمان). ایران، تهران: دانشگاه صادق علیه السلام.
۴. ابن سعید، یحیی بن احمد (۱۴۰۵ق). *الجامع للشرائع* (جعفر سبحانی تبریزی و جعفر سبحانی تبریزی: مترجمان). ایران، قم: مؤسسه سیدالشهداء(ع).

۵. احمدوند، معروف علی (۱۳۸۲). مروری بر ماهیت‌شناسی پول و دیدگاه فقیهان. فقه، ۳۶ (۱۰)، ۷۴-۱۴۷.
۶. الهام، صادق (۱۳۹۴). چالش‌های فقهی اجرایی شدن عقود در بانکداری اسلامی با مطالعه موردی مضاربه و جعاله. ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۷. امامی، حسن (۱۳۴۰). حقوق مدنی (جلد ۲). ایران، قم: اسلامیة.
۸. انصاری، محمدعلی (۱۴۱۵ق). الموسوعة الفقهية الميسرة. ایران، قم: مجمع الفكر الإسلامی.
۹. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۶ق). هدی الطالب إلى شرح المكاسب. ایران، قم: طلیعة النور.
۱۰. انصاری، مرتضی بن محمدامین (بی‌تا). حاشیة المكاسب (محمدرضا مظفر و جعفر کوثرانی: مترجمان). ایران، تهران: حبیب.
۱۱. اینگام، جفری (۱۴۰۰). ماهیت پول (اصلان قودجانی، حسین درودیان و علی نصیری‌اقدام: مترجمان). ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۲. بجنوردی، حسن (۱۳۷۷). القواعد الفقهية (محمدرضا حسین درایتی و مهدی مهریزی: مصححان). ایران، تهران: الهادی.
۱۳. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳). الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (محمدتقی ایروانی، عبدالعزیز طباطبایی و عبدالرزاق مقرر: مصححان). ایران، قم: الإسلامی.
۱۴. حلی، حسن بن علی؛ و حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین (حسین درگاهی و محمدهادی یوسفی غروی: مترجمان). ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (محمدرضا حسینی جلالی: مترجم). ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
۱۶. حسن‌زاده، علی؛ مجتهد، احمد؛ بغدادی، پویا؛ و تقی‌زاده حصار، فرهاد (۱۳۹۳). پول و بانکداری نوین. ایران، تهران: جنگل.
۱۷. حسینی حائری، کاظم (۱۴۲۳ق). فقه العقود. لبنان، بیروت: مجمع الفكر الإسلامی.
۱۸. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد؛ و حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا). مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة (ط. القديمة). لبنان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. حکیم، محسن (بی‌تا). نهج الفقهاء. ایران، تهران: ۲۲ بهمن.
۲۰. حلی، حسن (بی‌تا). تذكرة الفقهاء. ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.

۲۱. حلی، حسین (بی‌تا). *بحوث فقهیه (حلی)* (عزالدين بحر العلوم: مترجم). سوریه، دمشق: المنار.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). *موسوعه الإمام الخوئی*. ایران، تهران: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
۲۳. خوش‌نقش، هادی (۱۴۰۰). *خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه*. *جستارهای فقهی و اصولی*، ۲۲ (۷)، ۶۱-۹۶.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *مصباح الفقاهه*. ایران، تهران: منشورات مکتبه الداوری.
۲۵. داوودی، پرویز؛ نظری، حسن؛ و میرجلیلی، حسین (۱۳۷۴). *پول در اقتصاد اسلامی*. ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
۲۶. سنهوری، عبدالرزاق (۱۳۹۱). *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*. ایران، تهران: خرسندی.
۲۷. شبیری زنجانی، موسی (۱۳۹۴). *مضاربه بر منفعت و دین*. [yun.ir/c6vch4](http://yun.ir/c6vch4)
۲۸. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (۱۰ جلدی). (زین‌الدین بن علی شهید ثانی و محمد کلانتر: مصححان). عراق، نجف: جامعه النجف الدینیة.
۲۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۰). *حاشیة شرائع الإسلام*. قم، ایران: بوستان کتاب.
۳۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. ایران، قم: المعارف الإسلامیة.
۳۱. صاحب‌جواهر، محمدحسن بن باقر (بی‌تا). *جواهر الکلام* (ابراهیم میانجی، مصحح، محمود قوچانی، علی آخوندی، عباس قوچانی و رضا استادی: محققین). لبنان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. صمصامی، حسین؛ و کیان‌پور، فرشته (۱۳۹۴). *بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی*. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱(۱)، ۱۰۹-۱۳۰.
۳۳. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. ایران، تهران: مرتضوی.
۳۴. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیة*. لبنان، بیروت: المکتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*. سوریه، دمشق: دارالکتاب العربی.

۳۶. عربی، سیدهادی؛ فراهانی فرد؛ سعید؛ و خوش اخلاق، مهدی (۱۴۰۱). بررسی فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده اکل مال به باطل. *اقتصاد اسلامی*، ۲۲(۸۸)، ۳۵-۶۱.
۳۷. کمیجانی، اکبر؛ ابریشمی، حمید؛ و روحانی، سیدعلی (۱۳۹۷). ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی؛ نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها. *جستارهای اقتصادی*، ۲۹(۱۵)، ۹-۳۸.
۳۸. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (محمدعلی بقال، محقق). ایران، تهران: اسماعیلیان.
۳۹. محققان، مهدی؛ مهدوی، سیدمحمدهادی؛ و توکلی، احمدرضا. (۱۴۰۱). تأملی در حکم فقهی خلق پول. *آموزه‌های فقه مدنی*، ۲۶(۱۴)، ۱۹۷-۲۱۸.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). *وکالت در مضاربه*. [yun.ir/rjllfc](http://yun.ir/rjllfc)
۴۱. موسوی اردبیلی، عبدالکریم؛ و یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم (۱۳۷۹). *فقه المضاربه*. ایران، قم: مؤسسه النشر.
۴۲. موسوی سبزواری، عبدالاعلی؛ و یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۱۳ق). *مذهب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام*. ایران: قم: الذهب.
۴۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود (بی تا-الف). *المطور*. ایران، تهران: دانشگاه عدالت.
۴۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود (بی تا-ب). *مباحث حول العقد*. ایران، قم: مرکز الفقهی آیتالله العظمی الهاشمی الشاهرودی.
۴۵. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۳۲ق). *المضاربه*. ایران، قم: مرکز اهل بیت علیه السلام للفقہ و المعارف الاسلامیه.
۴۶. زحیلی، وهبه (۱۳۸۸). *موسوعه فقه الاسلامی و القضايا المعاصره*. ایران، قم: دارالفکر.
۴۷. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (بی تا). *العروه الوثقی*. ایران، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

## Reference

1. Holy Quran.
2. Al-Kashif al-Ghata', M, H., (2001). *Thahrir Almajaleh* (Muhammad Mahdi Asefi and Muhammad Sa'idi: Translators). Iran, Qom: Center for Scientific Research and Studies. (In Persian).
3. Ahmadvand, M, A., (2003). A Review of the Nature of Money and the Views of Jurists. *Fiqh*, 36(10), 74-147. (In Persian).
4. Arabi, H. Farahani, S. & Khoshakhlagh, M., (2023). Jurisprudence Review of Inside Money Creation with akl mal bialbatil (The Rule of Falsehood and Incorrect Possession of Property). *Islamic Economics*, 22(88), 35-61. (In Persian).

5. Ansari, M, I, M, A., (bita). *Hashiyat al-Makasib* (Mohammad Reza Mozaffar and Jafar Kawtharani: Translators). Iran, Tehran: Habib. (In Persian).
6. Ansari, M, A., (1994). *Al-Musawat Al-Fiqhiyyah Al-Misra*. Iran, Qom: Islamic Thought Forum. (In Persian).
7. Bojanvardi, H., (1998). *Al-Qawwa'id al-Fiqhiyyah* (Mohammad Hossein Derayati and Mehdi Mehrizi: Compilers). Iran, Tehran: Al-Hadi. (In Persian).
8. Bahrani, Y, I, A., (1984). *Al-Hadaiq al-Nadrah in the Rulings of al-Utrah al-Tahira* (Muhammad Taqi Irwani, Abdul Aziz Tabatabaei and Abdul Razzaq Mokaram: Correctors). Iran, Qom: Islamic. (In Persian).
9. Davoudi, P; Nazari, H; & Mirjalili, H., (1995). *Money in Islamic Economics*. Iran, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Academic Books in Islamic Sciences and Humanities (SAMAT). (In Persian).
10. Elham, S., (2015). *Jurisprudential Challenges of Contract Enforcement in Islamic Banking with a Case Study of Mudaraba and Ja'ala*. Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
11. Emami, H., (1961). *Civil Law* (Volume 2). Iran, Qom: Islamiyeh. (In Persian).
12. Hashemi Shahroudi, S, M., (bita-a). *Al-Mutawr*. Iran, Tehran: Edalat University. (In Persian).
13. Hashemi Shahroudi, S, M., (bita-B). *Discussions on the Contract*. Iran, Qom: The Jurisprudential Center of the Grand Ayatollah Hashemi Shahroudi. (In Persian).
14. Hashemi Shahroudi, M., (2010). *Mudaraba Iran*, Qom: Ahl al-Bayt Center for Fiqh and Islamic Encyclopaedias. (In Persian).
15. Haramili, M, I, H., (1995). *A Description of the Means of the Shiites to Acquire the Issues of Sharia* (Mohammad Reza Hosseini Jalali: Translator). Iran, Qom: Aal al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. (In Persian).
16. Hakim, M., (bita). *Nahj al-Fiqha*. Iran, Tehran: 12 Bahman. (In Persian).
17. Hali, H., (bita). *Jurisprudential Research (Heli)* (Ezzeddin Bahrul Uloom: Translator). Syria, Damascus: Al-Manar. (In Persian).
18. Heli, H., (bita). *Memoirs of the Jurists*. Iran, Qom: Ahl al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage. (In Persian).
19. Hassanzadeh, A; Mojtahid, A; Baghdadi, P; & Taghizadeh Hesari, F., (2014). *Money and Modern Banking*. Iran, Tehran: Jangal. (In Persian).
20. Heli, H, I, A; & Heli, H, I, Y., (bita). *Commentary for Learners in the Rules of Religion* (Hossein Dargahi and Mohammad Hadi Yousefi Gharavi: Translators). Iran, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian).
21. Hosseini Haeri, K., (2002). *Contract Jurisprudence*. Lebanon, Beirut: Islamic Thought Forum. (In Persian).
22. Hosseini Ameli, M, J, I, M; & Hali, H, I, Y., (bita). *Miftah al-Karamah in the Explanation of the Rules of the Religion* (T. al-Qadimah). Lebanon, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. (In Persian).

23. Ibn Zahra, H, I, A., (1996). *Ghaniyyah al-Nuz'u'ila'l-Imli al-Usul wa al-Fur'* (Ebrahim Bahadori: Translators). Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
24. Ibn Saeed, Y, I, A., (1984). *Al-Jami' al-Shara'a'* (Ja'far Sobhani Tabrizi and Ja'far Sobhani Tabrizi: Translators). Iran, Qom: Sayyid al-Shohada'a (a.s.) Institute. (In Persian).
25. Ingham, G., (2020). *The Nature of Money* (Aslan Qodjani, Hossein Daroudian and Ali Nasiri-Aghdam: Translators). Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
26. Kamijani, A; Abrishmi, H; & Rouhani, S, A., (2018). The Nature of Banks and the Process of Bank Money Creation; Criticism of Common Views and Implications. *Economic Jostarha*, 29(15), 9-38. (In Persian).
27. Khoei, S, A., (1997). *Encyclopaedia of Imam al-Khoei*. Iran, Tehran: Imam Al-Khoei Works Revival Foundation. (In Persian).
28. Khoshnaqsh, H., (1400). Money Creation from the Imamiyyah Perspective and with a Look at the Laws of the Subject. *Jurisprudential and Fundamental Researches*, 22(7), 61-96. (In Persian).
29. Khoei, S, A., (bita). *Misbah al-Fiqh*. Iran, Tehran: Publications of Maktaba al-Dawri. (In Persian).
30. Samsami, H; & Kianpour, Fereshteh (2015). Investigating the Possibility of Money Creation by the Banking System in the Islamic Financial System. *Marifat Eqtasad Islamic*, 1(1), 109-130. (In Persian).
31. Sanhoury, A., (2012). *Sources of Truth in Islamic Jurisprudence*. Iran, Tehran: Khorsandi. (In Persian).
32. Shabir Zanjani, M., (2015). *Mudaraba on Profit and Religion*. [yun.ir/c6vch4](http://yun.ir/c6vch4) (In Persian).
33. Shahid Aval, M, I, M., (1989). *Al-Rawda al-Bahiya in Sharh al-Lama' al-Damashkiyyah* (10 volumes). (Zain al-Din bin Ali Shahid Thani and Mohammad Kalantar: Correctors). Iraq, Najaf: Al-Najaf Religious University. (In Persian).
34. Shahid Sani, Z, I, A., (2001). *The Footnotes of the Laws of Islam*. Qom, Iran: Bostan Kitab. (In Persian).
35. Shahid Sani, Z, I, A., (1992). *Paths of Understanding to the Revision of Islamic Laws*. Iran, Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyya. (In Persian).
36. Sahebjavaher, M, H, I, B., (bita). *JavaheroAlkalam* (Ebrahim Mianji, Corrector, Mahmoud Quchani, Ali Akhundi, Abbas Quchani and Reza Ostadi: Researchers). Lebanon, Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. (In Persian).
37. Tareehi, F, I, M., (1936). *Majma' al-Bahrain*. Iran, Tehran: Mortazavi. (In Persian).
38. Tousi, M, I, H., (Beta). *Al-Nahiya in the Single Jurisprudence and al-fatawi*. Syria, Damascus: Arab Library. (In Persian).



39. Tusi, A, M, I, H., (1986). *Al-Mabusut in Imami Jurisprudence*. Lebanon, Beirut: Al-Mortazawi Library for Revival of Al-Jaafari Antiquities. (In Persian).
40. Makarem Shirazi, N., (2015). *Legal Representation in Mudaraba*. [yun.ir/rjllfc](http://yun.ir/rjllfc) (In Persian).
41. Mohaghegh Hali, J, I, H., (1987). *The Laws of Islam in Matters of Halal and Haram* (Mohammed Ali Bakal, Researcher). Iran, Tehran: Ismailian. (In Persian).
42. Mohagheghian, M; Mahdavi, S, M, H; & Tavakoli, A, R., (2022). A Reflection on the Jurisprudential Ruling on the Creation of Money. *Teachings of Civil Jurisprudence*, 26(14), 197-218. (In Persian).
43. Mousavi Ardabili, A; & Yazdi, M, K, I, A., (1379). *Jurisprudence Mozarebeh*. Iran, Qom: Al-Nashar Publishing House. (In Persian).
44. Mousavi Sabzevari, A; & Yazdi, M, K, I, A., (1992). *The Refinement of the Laws in the Explanation of Halal and Haram*. Iran: Qom: Al-Dhahab. (In Persian).
45. Zuhaili, W., (2010). *Encyclopedia of Islamic Jurisprudence and Contemporary Cases*. Iran, Qom: Dar al-Fikr. (In Persian).
46. Yazdi, M, K, I, A., (bita). *Al-Urwa Al-Wathqi*. Iran, Qom: Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. (In Persian).